



مهری غلامپور
فعال فرهنگی

روزهای سختی که با صبر زنان ماندگار شد

خدیجه نیسی، کارگردان مشهدی، تلاش کرد در مستند «مدمره» گوشه‌ای از زندگی زنان خرمشهر را که در شهرک شهید بهشتی مشهد زندگی می‌کنند به تصویر بکشد

غیره با مشارکت فعال بانوان صورت می‌گرفت. فعالیت زنان مسلمان در ستادهای پشتیبانی جبهه و جنگ به موارد خاصی محدود نمی‌شد و آن‌ها متناسب با توانایی‌هایشان فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دادند. یکی از مغفول‌ترین جنبه‌های هویت زنان که در آن دوران کمتر به آن پرداخته شد و در نثر و نظم و تصویر به آن توجهی نکردند نقش مهم زنان و مادران سرزمین در بعد تقویت هویت ملی میهنی در ایام دفاع مقدس بود و تربیت فرزندی که هم‌اکنون جزو مردان آسمانی این سرزمین‌اند. ضمن آنکه در شرایط جنگی، حفظ و دفاع از هویت بومی و قومی خویش را به بهترین شکل ممکن نقش‌آفرینی کردند و در حذف همه تعارضات مادی و معنوی و ذهنی در تقابل هویت‌های ملی و بومی، اثری ماندگار از خود برای آیندگان در تاریخ زرین کشور به یادگار حک کردند.

مستند بلند «مدمره» روایتگر بخش مهمی از نقش زنان در آن دوران سخت بود که اینک جامعه با رویکرد انتقال تجربه بین‌نسلی و کاهش شکاف اجتماعی پیش‌آمده به‌شدت نیازمند آن است که با همکاری بخشی از زنان و فعالان فرهنگی و اجتماعی مشهد، زمینه پخش فیلم «مدمره» فراهم آید. این اثر بیشتر با رویکرد پاسداشت روز بزرگ آزادسازی خرمشهر و یادآوری نقش بی‌بدیل مادران سرزمین در ایام مهاجرت

هویت دارای ابعاد مختلفی است و مهم‌ترین بعد آن هویت فردی و اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین مسائل در ارتباط با هویت بحث هویت‌یابی دختران و زنان جوان است که این موضوع بین دختران و زنان جوان ایرانی در مسیری حرکت کرده که در سال‌های پیشین بین تصور آنان از خود و شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه فاصله ملموسی وجود دارد. بنابراین مسئله‌ای که اکنون با آن روبه‌رو هستند به هویت آنان مربوط است، هویتی که به دلیل آموزش‌های دور از واقعیت‌های اجتماعی دچار بحران شده و زمینه خلاقیت و سازندگی را از آن‌ها سلب کرده است. بازخوانی نقش زنان در دوره‌های مهم و سخت جمهوری اسلامی بدون شک می‌تواند بر بازبانی واقعی هویت زن ایران اسلامی بسیار مؤثر و مفید فایده واقع شود. یکی از بهترین نمونه‌های قابل ذکر در این چهار دهه گذشته حضور چشمگیر، فعال و انکارناپذیر زنان در دفاع مقدس و پاسداری از مرز و بوم ایران اسلامی است. زیباترین جلوه‌های ماندگار حضور بانوان ایرانی در دفاع مقدس نقش پشتیبانی و خدماتی آنان و فراهم آوردن تدارکات لازم برای رزمندگان در جبهه‌های جنگ است. در آغازین روزهای تهاجم دشمن یعنی، بیشتر این خدمات به صورت خودجوش و کم‌تر سازمان‌یافته در مراکزی نظیر مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و

اجباری و جنگ‌زدگی بود. مستند «مدمره» سعی کرده است از روزه‌ای دیگر به دفاع مقدس بپردازد و با نگاهی مبتنی بر آموزه‌های جامعه‌شناختی زندگی مردم ساکن شهرک شهید بهشتی مشهد، جنگ‌زدگان مهاجر از جنوب غربی‌ترین شهرهای کشور را در پرده سینما به تصویر بکشد، نگاهی که در این چهل سال از جانب متولیان جامعه در حوزه‌های مختلف در این مدت کمتر مورد توجه قرار گرفت. در این مستند با زنانی آشنا می‌شویم که از همان روزهای ابتدای جنگ به‌ناچار خانه و زندگی و شهرشان را ترک می‌کنند. آن‌ها در دیگر شهرها ساکن می‌شوند در حالی که هنوز قلبشان در خرمشهر می‌تپد. خدیجه نیسی که خود طعم جنگ را در نوجوانی چشیده، با نگاهی زنانه به روایت زنان بعد از جنگ پرداخته است. قطعاً حمایت از تولیدات زنان می‌تواند به بهتر دیده شدن تلاش‌های آن‌ها در جهت هویت‌مندی کشور کمک کند.



شهربانو

شنبه
۲ خرداد ۱۴۰۱
شماره ۱۴۴۲ شماره ۴۴۷۱

(۸)

شهرزاد

نعیمه ترکمن‌نیا

فعال فرهنگی



کتاب «حوض خون» حاصل همکاری دفتر تاریخ شفاهی اندیشک و واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که انتشارات راه‌یار آن را منتشر کرده است. نشر راه‌یار پس از به چاپ رساندن دو اثر موفق در مجموعه «پشتیبانی جنگ» و سه اثر کم‌نظیر با عنوان «زنان انقلاب»، به سراغ «حوض خون» رفته است که در هر دو موضوع، راوی خاطرات شفاهی روزهای مبارزه آسمانی دفاع مقدس است. این کتاب خاطرات و روایت‌های ۶۴ نفر از بانوان اندیشکی درباره فعالیتشان در بخش رخت‌شویی البسه رزمندگان دفاع مقدس را شامل می‌شود که فاطمه سادات میرعالی، زهرا بختور، سمانه نیکدل، سمیه تتر، نسرین تتر، مهناز الفتی‌پور، آمنه لهراسی و نرگس میردورقی تحقیق و گردآوری آن‌ها را بر عهده داشته‌اند. فاطمه سادات میرعالی نیز علاوه بر تحقیق، تدوین کتاب را بر عهده داشته است. این کتاب در سال ۱۴۰۰ به چاپ هفتم رسید و در همان سال تقریظ رهبر معظم انقلاب را نیز کسب کرد.

متن تقریظ معظم‌له بر این کتاب به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اولین احساس پس از خواندن بخش‌هایی از این کتاب، احساس شرم از بی‌عملی در مقایسه با مجاهدات این مجاهدان خاموش و بی‌ریا و گمنام بود. آنچه در این کتاب آمده بخش ناشناخته و ناگفته‌ای از ماجرای عظیم دفاع مقدس است. باید از بانوی پرکار و صبور و خوش‌سلیقه‌ای که این کار پر زحمت را به عهده گرفته و به خوبی از عهده برآمده است و نیز از مؤسسه جبهه فرهنگی عمیقاً تشکر شود.

مهرماه ۱۴۰۰

➤ برشی از کتاب

«موقع عملیات، لباس‌ها و پتوهای جبهه را با هلی‌کوپتر می‌آوردند. خیلی زیاد بودند. خانم‌ها صبح تا شب می‌ماندند و همه آن‌ها را می‌شستند. من هم مدام می‌رفتم. هر چند از دیدن لباس‌های خونی زیاد گریه می‌کردم، دیگر بی‌تابی نمی‌کردم. هر لحظه ناصر را حس می‌کردم که نشسته روبه‌رویم، زل زده به دست‌هایم و ساییدن لکه‌ها را نگاه می‌کند. گاهی جلو گریه‌ام را می‌گرفتم تا بچم‌ام نبیند. ننه ابراهیم وسط شستن و صدای گریه خانم‌ها صدایش را بلند می‌کرد و می‌گفت: «کر بلا کر بلا، ما داریم می‌آییم». همین کافی بود تا صدای ماسقف رخت‌شویی را به لرزه در بیاورد. با هم می‌خواندیم: «کر بلا کر بلا، ما داریم می‌آییم... یا حسین، کر بلا کر بلا، ما داریم می‌آییم... یا زینب!»

درباره کتاب «حوض خون»

ماجرای بانوانی که یک ایران به آن‌ها مدیون است

➤ «حوض خون» به روایت فداکاری‌های زنان اندیشکی به صورت داوطلبانه در سال‌های دفاع مقدس پرداخته است. در آن سال‌ها برخی از شیرزنان اهواز و اندیشک که کمبود لباس، ملحفه و پتو را در جبهه‌های جنگ دیدند، به صورت کاملاً خودجوش اول در خانه‌های خودشان لباس‌ها و پتوهای رزمندگان را می‌شستند. سپس در سال ۱۳۶۲ رخت‌شوی خانهای در بیمارستان شهید کلاتری احداث می‌شود که به مرکز روایت همه راویان این کتاب تبدیل می‌شود. بانوان اندیشکی در کنار حوض این مرکز، لباس‌های خونین شهدا، جانبازان و رزمندگان را می‌شستند، رفومی کردند، گاهی هم رنگ می‌کردند و در آخر اتومی‌زدند و به جبهه می‌فرستادند. البته که این کار راحتی نبود. هنگام شستن لباس‌ها زانوی بودند که شیمیایی شدند. زنان چشم‌انتظار همسر و فرزند با دیدن لباس‌های شرحه‌شرحه و جامانده‌های اعضای بدن شهدا و جانبازان در لباس‌هایشان، از درد کنار حوض خون، خون گریه کردند.



حوض خون

• نویسنده: فاطمه سادات میرعالی

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سید میثم موسوی مهر
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی